

چگونگی برقراری عدالت اقتصادی در نظام بازار با تأکید بر آموزه‌های نهج البلاغه^۱

محمد هادی امین ناجی^۲

یونس اشرفی امین^۳

مصطفی دلشاد تهرانی^۴

ناصر محمدی^۵

چکیده

مقاله‌ی حاضر با هدف تبیین دیدگاه‌های امام‌علی (ع) درباره شیوه‌های رسیدن به عدالت اقتصادی در نظام بازار نگاشته شده است. روش مقاله توصیفی - تحلیلی است. سیره اقتصادی امام‌علی (ع) در حکومت خود، با بسترسازی لازم و رعایت اقتضائات آن، در جامعه امروزی نیز راه‌گشاست و می‌توان با روزآمد ساختن روش‌ها و با تکیه بر مبانی و آن اصول، به حل مشکلات اقتصادی پرداخت. فقر در آموزه‌های نهج البلاغه، به شدت مورد نکوهش قرار گرفته و زدودن این آسیب، به عنوان بستر ایجاد عدالت معرفی شده است. براساس آموزه‌های علوی، نظام بازار نیاز به ساماندهی دقیق، رقابتی و هوشمندانه دارد و نظارت مستمر بر همه اصناف، از مهم‌ترین وظیفه مسئولان است. فعالیت‌های اقتصادی نامشروع باعث آسیب دیدن بازار شده و با بازداشتن مردم از فعالیت تجاری صحیح، موجبات زیان همگان را فراهم می‌کند. مسئولان دولتی باید از قیمت‌گذاری بر کالاها دوری کنند و در کنار بسترسازی فرهنگی و آموزشی به همگان بویژه فعالان اقتصادی و بازاریان، سامانه‌های جامعی طراحی نمایند که نظام عرضه و تقاضا - از تولید تا مصرف - به صورت دقیق مدیریت شود تا ضمن شفاف‌سازی همه معاملات، عدالت اقتصادی برقرار گردد.

واژگان کلیدی: امام‌علی (ع)، نهج البلاغه، اقتصاد اسلامی، عدالت اقتصادی، بازار

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری است.

۲. دانشیار دانشگاه پیام نور تهران

aminnajji@pnu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه و مربی گروه معارف دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

y.ashrafi@pnu.ac.ir

۴. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث تهران

delshadtehrani@gmail.com

۵. دانشیار دانشگاه پیام نور تهران

naser_mohamadi@pnu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

دین برای هدایت و تربیت انسان آمده است و به دنبال ایفای نقش اقتصاد نیست؛ ولیکن از اقتضانات تربیت، رفع موانع آن است که یکی از موانع مهم آن، مسائل اقتصادی است و توصیه‌ی دین هم رفع آن برای فراهم شدن زمینه هدایت بوده است. پیوند دین و اقتصاد در دهه‌های اخیر، توجه بسیاری از اندیشمندان و مراکز علمی دنیا را به خود جلب کرده است. شاید بتوان «آدام اسمیت»^۱ را نخستین اقتصاددانی دانست که آغازگر مطالعات دین و اقتصاد در اواخر قرن هیجدهم میلادی بوده است (ایروانی، ۱۳۹۱: ۲۴). علاوه بر اقتصاد اسلامی، از اقتصاد مسیحی و اقتصاد بودایی نیز صحبت شده است. برخی اقتصاد مسیحی را «تلاش برای به کار گرفتن اصول اخلاقی مسیحی نسبت به مطالعه اقتصاد و پیشنهاد برای سیاست اقتصادی» دانسته‌اند (نوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۳). پیشرفت‌های مثال‌زدنی کشور ژاپن در شش دهه گذشته، تحت تأثیر آیین «شینتو» بوده که نمونه عینی از اثرات مثبت کلی دین بر اقتصاد است (تفضلی، ۱۳۷۵: ۴۷).

یکی از مسائلی که امروزه جامعه ما به آن مبتلا شده است، برقراری عدالت اقتصادی است و این مسئله به یک معضل اجتماعی تبدیل گشته است. یکی از اهداف انقلاب اسلامی، برقراری عدالت همه‌جانبه در جامعه بوده است؛ ولیکن باید اذعان کرد، علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در دوره پس از انقلاب، متأسفانه در این زمینه عقب‌ماندگی‌های جدی وجود دارد، تا حدی که رهبر معظم انقلاب نیز چندین بار به این مسئله تأکید فرموده‌اند. از این رو پرداختن به راهکارهای برقراری عدالت اقتصادی اهمیت مضاعفی دارد. چنانچه، این مباحث برگرفته از آموزه‌های دینی بویژه سیره امام علی (ع)، به عنوان تنها امامی که موفق به تشکیل حکومت گردیده است، بسیار مغتنم خواهد بود. باید گفت نظر به تشکیل حکومت از سوی امام علی (ع)، بی‌تردید شخصیت ایشان و آموزه‌های آن حضرت می‌تواند در مسائل و مشکلات اقتصادی بسیار راهگشا باشد. هدف امام علی (ع) از حکومت، (به فرموده خودشان) قدرت‌طلبی، زیاده‌خواهی و نشستن بر کرسی سلطنت و ریاست نبوده است؛ بلکه برای برپا داشتن نشانه‌های دین و اصلاح

۱. Smith, Adam, (۱۷۲۳-۱۷۹۰م) مدرس فلسفه اخلاق دانشگاه گلاسکوی اسکاتلند و مشهور به پدر علم اقتصاد.

شهرها بود تا بندگان ستم‌دیده ایمن گردند و حدود ضایع مانده اجرا گردد^۱ (سید رضی، خطبه ۱۳۱، ۱۳۷۹: ۱۲۹).

از این رو، محوریت مباحث مقاله حاضر با نهج البلاغه است، ولیکن در مقام تبیین مطالب، به آیات قرآن، سخنان معصومان و کلام علی (ع) در کتب روایی دیگر نیز پرداخته شده است. گفتنی است برگردان فارسی عبارات نهج البلاغه، برگرفته از ترجمه سیدجعفر شهیدی است و واژه دولت در مباحث گوناگون مقاله، به معنای عام آن و مقصود حکومت است و محدود به قوه مجریه نمی‌باشد.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

مشکلات اقتصاد، مسئله‌ای است که همه انسان‌ها را به خود مشغول کرده است. گرچه برخی از اندیشمندان، نظام سرمایه‌داری را الگوی مناسبی می‌دانند، ولیکن برخی از اقتصاددانان کشورهای غربی، خود به ناکارآمدی نظام سرمایه‌داری اذعان دارند. «اولوف فلدت»^۲ وزیر اقتصاد اسبق سوئد چنین گفته است: «نظام سرمایه‌داری با مشکلات بزرگی مواجه است، ولی ما جایگزینی برای آن سراغ نداریم» (چپرا، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

امروزه مسلمانان می‌توانند ضمن تکیه بر مبانی دینی و استفاده از مبانی و اصول حکومت نبوی و علوی، با روزآمد کردن آن تجربه‌ها و بهره‌گیری از روش‌های نوین، به گره‌گشایی از مسائل اقتصادی بپردازند. مقاله حاضر نیز با همین هدف نگاشته شده است. در مقاله حاضر به تبیین برخی از راهکارهای نیل به عدالت اقتصادی پرداخته شده است. نظر به اینکه گستره موضوعات اقتصادی متعدّد است، یکی از مباحث مرتبط با آن با عنوان نظام بازار مورد بررسی قرار گرفته است. نوشتار حاضر دنبال این است به این سؤالات پاسخ دهد که:

- نگاه امام علی (ع) به عدالت اقتصادی و رابطه آن با فقر و ناداری چگونه است؟
- با تأکید بر دیدگاه امام علی (ع)، چگونه می‌توان نظام بازار را اصلاح و به سامان کرد؟

1 - ایشان خطاب به خداوند چنین عرضه داشتند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَاسُّ شَيْءٌ مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ نَظْهِرِ الْإِصْلَاحِ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمُظْلَمُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ».

- با توجه به آموزه‌های علوی، شیوه مدیریت عرضه و تقاضا در بازار چیست؟
- در جامعه امروزی، راهکار مقابله با تورم و ایجاد ثبات در بازار چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

هر چند درباره اقتصاد اسلامی، عدالت اقتصادی و بازار، به طور کلی آثار زیادی منتشر شده است، ولی با توجه به کاوش‌های صورت گرفته، اثری همسو و یا مشابه عنوان مقاله حاضر یافت نگردید. البته برخی از مقالات منتشره با موضوع پژوهش حاضر، ارتباط دارند که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد: محمدتقی نظریور در مقاله‌ای با عنوان «امام علی (ع)، حکومت و بازار» به بیان کلیاتی درباره خصوصیات بازار در زمان آن حضرت پرداخته و مطالبی از روایات و کتاب تاریخی گردآوری کرده است (نظریور، ۱۳۸۰: ۲۲۳-۲۷۲). محمد امامی در مقاله خود با عنوان «بررسی نظارت بر بازار در آموزه‌های نبوی و علوی» که با هدف ابعاد نظارت بر بازار نگاشته است، به حق نظارت دولت بر بازار پرداخته و با توجه به سیره معصومان (ع)، حوزه نظارت را مورد بحث قرار داده است (امامی، ۱۳۸۵: ۱۷۱-۱۹۳). حمیدرضا نصیری‌زاده و سعیده سعیدی‌نیا با هدف بررسی بازار، مقاله‌ای را با عنوان «بازار اسلامی مولود نظام اقتصادی صدر اسلام» نوشته‌اند که در آن با روش تحلیلی-تاریخی، به توصیف ویژگی‌های بازار در صدر اسلام پرداخته شده است. (نصیری‌زاده و سعیدی‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۴۹-۱۶۸) سید محمد کاظم رجائی رامشه در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر شکل‌گیری قیمت و تعیین مقدار تولید در بازار اسلامی» با روش تحلیلی به این نتیجه رسیده که بازار اسلامی از مقدار تولید بیشتر، قیمت کمتر، پایداری بیشتر، کارایی بالاتر و رفاه بیشتری نسبت به بازار رقابت کامل دارد (رجائی رامشه، ۱۳۹۴: ۴۵-۶۶). همچنین، درباره بازار اسلامی نیز مطالبی به صورت پراکنده در نشریات عمومی و روزنامه‌ها انتشار یافته است.

تفاوت پژوهش حاضر با آثار مرتبط پیشین، در عین نبودن عنوان، تبیین اقتضانات و بسترهای لازم برای نظام بازار در راستای نیل به عدالت اقتصادی است و همچنین در عین استفاده از منابع اسلامی (با تأکید بر نهج البلاغه) و منابع تخصصی اقتصاد، تلاش شده است که در راستای بهره‌مندی از آموزه‌های علوی برای جامعه امروز، در کنار تبیین و تحلیل آموزه‌های امام علی (ع)، راهکارهای روزآمد ارائه شود.

۳. ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

۱-۳. علم اقتصاد

اقتصاد ترجمه کلمه «اکنونومی»^۱ برگرفته از دو واژه «ایکو» (خانه، اموال) و «نومو» (اداره، تدبیر) است و پیدایش آن به دوران یونان باستان برمی‌گردد که در آنجا به معنای تدبیر منزل به کار می‌رفته (حریری، ۱۳۸۸: ۱۵، ج ۱) و تبیین اصول خانه‌داری و تأمین و اداره درآمدها و وظیفه آن بوده است (کرمی و پورمند، ۱۳۹۱: ۷). ارسطو^۲ نیز واژه «اکنونومیکس»^۳ را به عنوان علم اقتصاد معرفی کرد که هدف آن، رفع رنج‌های انسان است (حریری، ۱۳۸۸: ۱۵، ج ۱). در منابع لغوی، اقتصاد از ریشه «قصد» به معنای میانه‌روی و اعتدال به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵۳، ج ۳؛ راغب، ۱۴۱۲: ۶۷۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵۵، ج ۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۶۹/۹). در قرآن نیز این معنا ذکر شده است (سوره لقمان آیه ۱۹) و «مُقْتَصِد» نیز به کسی گویند که به راه راست و مستقیم رود (سوره لقمان، آیه ۳۲؛ فاطر، آیه ۳۲).

در برخی از سخنان امام علی (ع)، واژه «اقتصاد» به معنای میانه‌روی به کار رفته است (نامه ۲۱) و از دیدگاه ایشان، اقتصاد و میانه‌روی، انسان را بی‌نیاز می‌کند (حکمت ۱۴۰) و در آن هلاکت و تلف وجود ندارد (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۵۴؛ حدیث ۸۰۷۲ و ۸۰۷۳). همچنین، اقتصاد نیمی از هزینه است (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۵۳؛ حدیث ۸۰۵۱) و آسانی و اندک را بسیار می‌کند (آمدی، ۱۳۶۶: حدیث ۸۰۶۲ و ۸۰۶۳) علی (ع) در نیکویی اقتصاد چنین می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْإِقْتِصَادَ وَحُسْنَ التَّدْبِيرِ...» (آمدی، ۱۳۸۸: ۳۵۳؛ حدیث ۸۰۵۷). البته این مفاهیم بیشتر ناظر بر معنای لغوی اقتصاد است.

اقتصاد بخش جدایی‌ناپذیر زندگی همه انسان‌هاست و در زمان کنونی نیز اقتصاد و علوم وابسته به آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. علم اقتصاد شناخت ماهیت پدیده‌های اقتصادی، عوامل موثر بر آنها و کشف روابط پنهان میان آنهاست که به منظور اتخاذ تصمیم عقلایی در امر تولید، توزیع و مصرف پدید آمده است (خلیلی، ۱۳۹۳: ۳۱) و هدف آن نیز تسلط بر اوضاع و احوال اقتصادی و به کنترل در آوردن آن است تا موجب بهبود و ارتقای شرایط زندگی انسان‌ها

1. Oikonemia

۲. ۳۲۲-۳۸۴ قبل از میلاد.

3. Economics

شود (عربی و علوی، ۱۳۹۲: ۷). امروزه «آدام اسمیت» به عنوان پدر علم اقتصاد مشهور است؛ گرچه برخی معتقدند اندیشمندان مسلمان قبل از وی، اندیشه‌های اصلی اقتصادی و بذره‌های اصلی اقتصاد کلاسیک را پی‌ریزی کرده‌اند و بدین جهت برخی از صاحب‌نظران از ابن‌خلدون^۱ به عنوان پدر علم اقتصاد (تاون: ۱۳۸۲: ۱۵۰؛ ایروانی، ۱۳۹۱: ۲۸) و نخستین تئوری پرداز مالیات در تاریخ یاد کرده‌اند (خلیلی، ۱۳۸۰: ۳۹).

۲-۳. اقتصاد اسلامی

نظرات متعددی درباره وجود یا عدم علم اقتصاد اسلامی وجود دارد (ایروانی: ۳۲۵-۳۳۶) که برخی از آنها درباره میزان سهم دین از اقتصاد سخن گفته‌اند. برخی از محققان، بر این مطلب اصرار دارند که اقتصاد اسلامی علم نیست، بلکه یک روش و برنامه عملی است (تسخیری، ۱۳۹۰: ۱۸۹-۱۹۰)، لکن به نظر می‌رسد؛ اقتصاد اسلامی نوعی جدید از اقتصاد و یا در تقابل با اقتصاد متعارف نیست؛ بلکه همان اقتصاد متعارف است که با اصلاحاتی در مبانی، اصول و روش‌های آن به مدد اقتصاد آمده و چالش‌ها و مشکلات اقتصادی جامعه را حل می‌کند و چنانچه انسان‌ها با کمک گرفتن از عقل سلیم و تجربیات علمی دقیق، به نتایجی در هر علم از جمله اقتصاد برسند، همان نظریات مورد تأیید دین است.

اقتصاد امام‌علی(ع) در حکومت خود با اقتصاد اسلامی رابطه مستقیمی دارد. هر چند برخی از پژوهشگران نسبت میان اقتصاد علوی با اقتصاد اسلامی و دیدگاه‌های اقتصادی حاضر به ترتیب عموم و خصوص مطلق و تباین دانسته‌اند (یوسفی، ۱۳۸۷: ۳۲) ولیکن به نظر می‌رسد؛ این نظر لزوماً صحیح و دقیق نباشد و چه بسا بخش قابل توجهی از اصول اقتصاد علوی در جوامع امروزی نیز راهگشاست و امام‌علی(ع) با اشراف کامل بر قرآن و سنت نبوی و همچنین نگرش عمیق و دقیق بر چالش‌های جامعه، بهترین نسخه از اقتصاد اسلامی را ارائه کرده‌است. شاید این پرسش مطرح شود که چگونه ممکن است بتوان مشکلات اقتصادی عصر حاضر

۱. عبدالرحمن بن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ق)، سیاستمدار، فیلسوف، اقتصاددان، جامعه‌شناس و مورخی برجسته بود. رونالد ریگان رئیس جمهور اسبق آمریکا در کتاب خاطراتش به تأسی از ابن‌خلدون درباره کاهش مالیات‌ها نوشته است: «... ناگفته نماند که آن فیلسوف (ابن خلدون) و من در این اعتقاد که مالیات‌های پایین به درآمد بالا برای دولت می‌انجامد، تنها نبودیم» (خلیلی، ۱۳۸۰: ص ۴۰).

را با استفاده از آموزه‌های دینی که مربوط به ۱۴ قرن گذشته است، حل کرد؟ شهید صدر به این پرسش چنین پاسخ می‌دهد که اسلام همیشه قادر به رهبری و هدایت زندگی انسان‌هاست. منتها در این راستا، دو عنصر در آموزه‌های اسلام وجود دارد که یکی از آن احکام ثابت و دائمی است و عنصر دوم متغیر و انعطاف‌پذیر است که متناسب با اقتضائات زمان، تبیین می‌شود (صدر، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۹). لذا آموزه‌های اسلام، همیشه پویایی لازم جهت مدیریت و هدایت زندگی انسان را دارند.

۳-۳. عدالت اقتصادی

عدلٌ ضدّ جور، (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۳۱/۱۱) به معنای مساوات (راغب: ۵۵۱) و میانه‌روی در امور است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵۳/۸) تفاوت عدل با انصاف و قسط این است که انصاف به دادن نصف نصف است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵۳/۸) و قسط، عدالت آشکار و روشن است و بدین خاطر پیمانه و ترازو را قسط نامیده‌اند که عدالت در وزن را طوری به تصویر می‌کشد که انسان آن را آشکارا می‌بیند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵۵/۸).

امام علی (ع) در تعریف عدل در حکمت ۴۳۷، نهادن هر کاری در جای خود را بیان فرموده است. در فرمایشات امام علی (ع) در نهج البلاغه، عدالت به معنای رعایت حقوق (خطبه/۱۵)، انصاف (حکمت/۲۳۱) و رفع تبعیض نیز آمده است (نامه/۷۰، ۵۹ و ۵۳). ایشان در نامه خود به برخی از کارگزارانش از جمله محمد بن ابوبکر ضمن توصیه‌هایی، دستور می‌دهد که چنان رفتار کند که مردم ناتوان از عدالتش ناامید نگردند: «وَلَا يَبْتَاسُ الضُّعْفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ» (نامه/۲۷ و ۴۶) البته با نگاه جامع به نهج البلاغه، عدالت دارای پنج مفهوم است که در قسط نیست: ۱- قرار یافتن هر چیز در جای خود، ۲- اعتدال و میانه‌روی، ۳- انصاف و داد، ۴- رساندن حق به ذی حق و ۵- مساوات در حقوق عمومی و قانون (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵: ۴۶-۶۲). گرچه اصطلاح عدالت اقتصادی در کلام امام علی (ع) مشاهده نمی‌شود، ولی سیاست‌ها، اقدامات و فرمایشات ایشان در راستای رسیدن به عدالت اقتصادی بوده است. آن حضرت به تعبیر دکتر صبحی صالح در مقدمه نهج البلاغه، شهید راه اجرای عدالت است.

۱. عدل و عدالت مفهومی کلان است که در حوزه‌های گوناگونی از جمله اعتقادات، اخلاقیات و اجتماعیات قابل بحث است و در این مقاله مقصود از آن عدالت اقتصادی است.

عدل مایه حیات (آمدی، ۱۳۶۶: ۹۹، حدیث ۱۶۹۹) و قوی‌ترین پایه (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۶، حدیث ۱۰۲۰۳) است و هیچ چیزی مانند عدالت باعث آبادانی شهرها نمی‌شود (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۴۰، حدیث ۷۷۷۸). در آیات قرآن کریم نیز بر عدالت تأکید فراوانی شده است (نساء/۱۳۵؛ نحل/۹۰؛ حدید/۲۵). از این رو، پیشرفت اقتصادی بدون برقراری عدالت اقتصادی معنا ندارد. به نظر می‌رسد اقتصاد سرمایه‌داری بر رشد، به جای عدالت تأکید دارد و براساس معیارهای خود، نظام توزیع متوازن ثروت و بهره‌مندی فقرا از آن را مانع رشد اقتصادی می‌داند. آرتور لوئیس^۱ با اعتراض به عدالت چنین می‌گوید: «باید توجه کرد که موضوع ما رشد است، نه توزیع!» و برخی دیگر از اقتصاددانان غربی همچون یامی^۲ و باور^۳ به نظام عدالت چنین اعتراض می‌کنند: «امکان ندارد که توزیع مجدد درآمد به نفع فقیران سبب تثبیت رشد اقتصادی به لحاظ افزایش متوسط تولید سرانه شود» (چیرا، ۱۳۸۶: ۲۴۲). مقصود از عدالت اقتصادی، وجود شاخص‌هایی از جمله مساوات در توزیع ثروت‌های عمومی، رفع هرگونه تبعیض و شکاف طبقاتی، رعایت حقوق اقشار گوناگون با توجه به شرایط و اقتضائات آنان، فراهم نمودن رفاه عمومی برای همه اقشار مردم و تکافل اجتماعی به شمار می‌رود.

۳-۴. نهج البلاغه

نهج البلاغه مجموعه‌ای از فرمایشات امام علی (ع) در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌هاست که توسط سید رضی در سال ۴۰۰ هجری گردآوری شده است. البته سخنان علی (ع) محدود به کتاب نهج البلاغه نیست و برخی از محققان معتقدند، عبارت «نهج البلاغه» اعم از آفرینش‌های ادبی است که سید رضی آنها را برگزیده است و شامل همه سخنان امام علی (ع) در کتب گوناگون حدیثی و تاریخی می‌شود (حائری، ۱۳۸۶: مقدمه). در مقاله حاضر نیز همین معنا مد نظر بوده است.

۴. روش پژوهش

روش مقاله حاضر تحلیلی - توصیفی است که به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از مراجعه به

-
1. Arthur Lewis
 2. Basil s.Yamey
 3. Peter T.Bauer

متن نهج البلاغه و آثار معتبر دینی و نرم افزارهای مرتبط، داده‌ها جمع‌آوری شده و با تطبیق آنها با وضعیت اقتصادی جامعه، به ارائه راهکارهای روزآمد پرداخته شده است. نظر به اینکه پژوهش حاضر از تحقیقات میان‌رشته‌ای به شمار می‌رود، از منابع تخصصی علم اقتصاد و نظرات اقتصاددانان نیز بهره گرفته شده و نتایج آن با فرمایشات و سیره علی (ع) تطبیق داده شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

۱-۵. مقابله با فقر و ناداری

یکی از زمینه‌های مهم عدالت اقتصادی، نوع نگرش به فقر و ناداری است و تا زمانی که نگاه دقیقی به این مقوله در جامعه شکل نگیرد و کوشش جدی برای مقابله با آن صورت نپذیرد، بستر عدالت اقتصادی فراهم نمی‌گردد. اکنون باید به این سؤال پاسخ داده شود که نگاه امام علی (ع) به فقر و ارتباط آن با عدالت اقتصادی چگونه بوده است؟

مقصود از فقر، ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی زندگی است. از نظر برخی اندیشمندان همچون «سن»^۱، همه تعاریف فقر به نوعی به محرومیت از رفاه اشاره دارند و «تانسند»^۲ فقر را وضعیتی می‌داند که فرد از منابع لازم برای برخورداری از امکانات معمول زندگی، رژیم غذایی و مشارکت در فعالیت‌ها محروم باشد (خدادادکاشی، ۱۳۸۸: ۲۰۹). از این رو فقیر کسی است که توان تأمین مخارج سال خود و خانواده‌اش را ندارد.

دین اسلام به فقر و ناداری، نگاه منفی دارد و ضمن مبارزه شدید با آن، به دنبال زیست همه انسان‌ها در آسایش و رفاه است. فقر امری مطرود و شیطانی است (بقره/۲۶۸) و پیامدهای ناگواری دارد تا جایی که پیامبر (ص) در سخنی شگفت‌انگیز و البته در عین واقع‌بینی، فاصله گرفتن از دین و فرایض دینی را از تبعات منفی فقر برشمرده و می‌فرماید: «خدایا برای ما در نان برکت قرار ده و میان ما و آن جدایی مینداز، زیرا اگر نان نباشد، نه روزه می‌گیریم، نه نماز به پا می‌داریم و نه واجبات دینی را ادا می‌کنیم.»^۳ (کلینی، ۱۳۶۵: ۷۳/۵ و ۲۸۷/۶). بنابراین سخن

1. A.Sen

2. P.Townsend

۳. «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ فَلَوْ لَا الْخُبْزُ مَا صُمْنَا وَلَا صَلَّيْنَا وَلَا أَدَّيْنَا فَرَائِضَ رَبَّنَا عَزَّ وَجَلَّ» گفتنی است نان مثال و نماد روزی است و وقتی پیامبر (ص) چنین سخنی بر زبان آورد که اگر نان نباشد، نماز و

مشهور «الْفَقْرُ فَخْرِي» که به پیامبر (ص) نسبت داده شده، معتبر نیست و نمی‌تواند مورد اعتنا قرار گیرد.^۱ از پیامبر (ص) نقل شده که خداوند به حضرت ابراهیم (ع) چنین وحی کرد که: ای ابراهیم تو را با آتش نمرود امتحان کردم؛ اگر آزمونت با فقر بود و صبر را از تو برمی‌داشتم، چه می‌کردی؟ ابراهیم (ع) چنین پاسخ می‌دهد که خداوند! فقر برای من سخت‌تر از آتش نمرود است. سپس خداوند چنین فرمود: «فَبِعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَشَدَّ مِنْ الْفَقْرِ» (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۰۹؛ مجلسی، ۴۷/۶۹).

امام علی (ع) نیز در فرمایشات خود در نهج‌البلاغه ضمن مخالفت با فقر، (حکمت/۱۶۳ و ۳ و ۵۶؛ خطبه/۲۱۵) به لزوم تأمین رفاه عمومی تأکید دارد. ایشان در نصیحتی خطاب به فرزندش محمد بن حنفیه، پیامدهای فقر را چنین فرموده است: «يَا بَنِيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ» (حکمت/۳۱۹). براساس این آموزه، فقر باعث ناقص شدن دین، آشفتگی شدن عقل و پدید آمدن دشمنی می‌شود. آن حضرت در سخنی جالب، ضمن توصیه بر لزوم اصلاح و ساماندهی سرمایه‌ها، برای این نکته تأکید می‌ورزد که انسان در شرایط سختی و نیاز به دیگران، اولین چیزی که بذل می‌کند، دین است: «إِذَا احتَاجَ الْمَرْءُ فِيهِ إِلَى النَّاسِ كَانَ أَوَّلَ مَا يُبَدِّلُهُ لَهُمْ دِينَهُ» (ابن ابی الحدید، ۳۱۲/۲۰). انسان اگر فقیر و نیازمند گردد، امکان دارد هر اقدام غیرعقلانی از وی سر بزند.

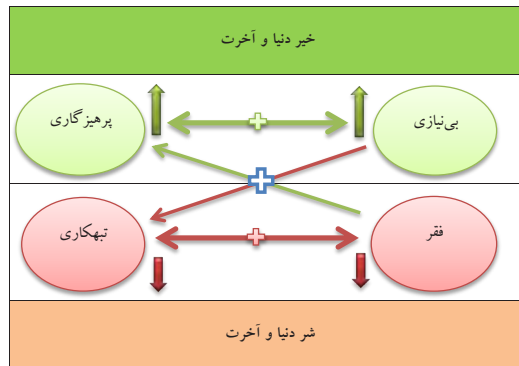
براساس آموزه‌های علوی، فجور و تبهکاری از ویژگی‌های کافران است (آمدی: ۴۶۲، حدیث ۱۰۵۹۴). پیامبر (ص) در سخنان خود، بر منجر شدن فقر به کفر تصریح فرموده (کلینی: ۳۰۷/۲؛ صدوق: ۱۴۰۳: ۱۲/۱؛ حرعاملی: ۳۶۶/۱۵) و ثروت و بی‌نیازی مادی را بهترین یاور برای پرهیزگاری معرفی نموده است: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَيَّ تَقْوَى اللَّهِ الْغِنَى» (کلینی: ۷۱/۵؛ صدوق: ۱۴۱۳: ۱۵۶/۳؛ حرعاملی: ۷۶/۱۷). همان‌گونه که امام علی (ع) نیز سخنی شبیه آن دارد (ابن ابی الحدید: ۲۲۷/۱۹) و در کلامی دقیق می‌فرماید: «خیر دنیا و آخرت در دو خصلت است:

روزه و فرائض دینی را نمی‌توانیم ادا کنیم! تکلیف مردم عادی معلوم است.

۱. این سخن در کتب معتبر روایی نیامده و در بحارالانوار به صورت مُرسَل نقل شده است. (ر.ک: مجلسی، ۳۳-۳۰/۶۹) سخن مذکور با احادیث معتبر فراوان و با منطق اسلام سازگاری ندارد و باید کنار گذاشته شود. البته برخی احتمال داده‌اند مراد از فقر در سخن مذکور، فقر وجودی انسان نسبت به خداست که در قرآن (فاطر/۱۵) هم ذکر شده و علامه مجلسی نیز به عنوان احتمال در ذیل همان سخن آورده است.

۲. «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَيَّ تَقْوَى اللَّهِ الْمَالِ».

ثروت‌مندی و پارسایی و شر دنیا و آخرت در دو خصلت است: فقر و تبهکاری»^۱ (ابن ابی الحدید، ۳۰/۱۲۰). براساس فرمایشات فوق می‌توان چنین نموداری ترسیم کرد:



نمودار ۱. خیر و شر دنیا و آخرت

براساس شکل فوق، مجموع فقر و تبهکاری به نتیجه منفی منجر می‌شود که همان شر دنیا و آخرت است و از کنار هم قرار گرفتن بی‌نیازی و پرهیزگاری، نتیجه‌ای مثبت حاصل می‌شود که همان خیر دنیا و آخرت است. همچنین فقر و تبهکاری از سویی و بی‌نیازی و پرهیزگاری از سوی دیگر، با هم ارتباط متقابل دارند. البته طبیعتاً ممکن است فردی در عین بی‌نیازی، تبهکار باشد و آن به شر می‌انجامد و ممکن است، فردی با وجود فقر نسبی، پرواداری پیشه کند و لزوماً برایش شرافتین نگردد.

فراهم کردن سطحی از زندگی و یا نزدیک به هم برای عموم افراد جامعه، از اهداف مهمی است که حکومت اسلامی باید در تحقق آن بکوشد (صدر، ۱۳۹۴: ۶۵). امام علی (ع) در دوره حکومت خود رفاه عمومی را همراه با عدالت برقرار نمود. آن حضرت در ضمن سخنرانی خود به مردم چنین فرمودند: «الْبَسْتُكُمْ الْعَافِيَةَ مِنْ عَدْلِي» (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). آن حضرت در یکی از سخنرانی‌های خود که با عنوان «خُطْبَةُ الطَّالُوتِيَّةِ» در کتاب کافی آمده است، درباره تأمین رفاه و عدالت میان مسلمان و غیر مسلمان فرموده است: «فَأَكَلْتُمْ زَعْدًا وَ مَا عَالَ فِيكُمْ عَائِلٌ وَ لَا ظَلِمَ مِنْكُمْ مُسْلِمٌ وَ لَا مُعَاهَدٌ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۲/۸).

درباره خط فقر بحث‌های زیادی مطرح است، ولیکن از مجموع سیره معصومان (ع) چنین

۱. «خير الدنيا و الآخرة في خصلتين الغنى و التقى و شر الدنيا و الآخرة في خصلتين الفقر و الفجور».

به دست می‌آید که فردی که این هشت نیاز مهم و کلی (به عنوان شاخص) را داشته باشد، به وی فقیر اطلاق نمی‌گردد: ۱- خوراک، ۲- پوشاک، ۳- پوشاک (نوشیدنی‌های سالم و گوارا)، ۴- مسکن، ۵- مرکب، ۶- امکانات ازدواج، ۷- حج (برای مسلمانان) و ۸- مازاد (پس انداز) (دلشاد: ۱۳۹۵: ۳۹۴). براساس آماری که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی انجام داده است، در سال ۱۳۹۸، ۲۶ و نیم میلیون نفر ایرانی زیر خط فقر بوده‌اند (شهیدی و کاویانی، ۱۴۰۰: ۳۳). از این رو بایستی دولت زمینه رفاه اجتماعی با شاخص‌هایی که بیان شد، در اختیار عموم مردم قرار دهد تا فقر زوده شود.

۲-۵. اصلاح نظام بازار

بازار هر نوع تریباتی است که توسط آن خریداران و فروشندگان، اموال خود را مورد مبادله قرار می‌دهند (دادگر و رحمانی، ۱۳۹۴: ۵۴). بنابراین، بازار اعم از مکان است. یکی از راه‌های رسیدن به اقتصاد موفق، اصلاح نظام بازار و تنظیم و اجرای ساز و کار مناسب برای آن است. بدین منظور بایستی زیرساخت‌ها و بسترهای لازم فراهم گردد. اکنون در این قسمت به برخی از تدابیر به‌سامان نمودن بازار پرداخته می‌شود.

۲-۵. ساماندهی بازار و نظارت مستمر بر عملکرد آن

پیامبر(ص) افرادی را به عنوان مُحْتَسِب در بازار مکه و مدینه تعیین فرموده بود تا بر بازار رسیدگی‌های لازم را داشته باشند. امام‌علی(ع) نیز خود شخصاً در بازار قدم می‌زد و بر اصناف گوناگون نظارت می‌کرد و بازاریان را موعظه می‌فرمود و متناسب با هر حرفه و صنفی، توصیه‌هایی را بیان می‌نمود (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۶/۵۰-۵۱).

امام‌علی(ع) برای هرکالایی، بازار خاصی در نظر گرفته بود و با وجود تجمّع فروشندگان و خریداران فراوان در مکان خاصی، زمینه تخلّفاتی از جمله کم‌فروشی، غش، گرانفروشی و غیره کاهش زیادی یافت. برخی از این بازارها عبارت بودند از: بازار قصابان، خرمافروشان، روغن فروشان، ماهی فروشان، بزّازی، صرّافی، خیاطی، نانویان، بازار خرید و فروش شتر و... (یوسفی، ۱۳۸۷: ۳۶۸). حتی آن حضرت اجازه نمی‌داد، افراد مکان خاصی را همیشه به خود اختصاص دهند. از این رو هرکس صبح زودتر به بازار می‌آمد، آزاد بود در مکان دلخواه خودش، کالایش را به فروش بگذارد. (یوسفی، ۱۳۸۷: ۳۶۸) علی(ع) فرمایشی به این مضمون دارد که بازار

مسجد مسلمانان است و هرکس زودتر مکانی را بگیرد، سزاوارتر به آن است (کلینی: ۱۵۵/۵؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۹/۷؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۹۹/۳).

امروزه نیز از نظر اقتصاد متعارف، تحقق «بازار رقابت کامل» شرایط و ویژگی‌هایی دارد از جمله: ۱- زیاد بودن خریداران و فروشندگان، ۲- تشابه و همگن بودن کالاها، ۳- آزادی ورود و خروج به بازار، ۴- شفافیت اطلاعات بازار و ۵- سیال بودن عوامل تولید؛ یعنی کالایی تولید شود که بالاترین بهره‌وری را داشته باشد و بتواند میان همه تولیدات، بالاترین قیمت را دریافت کند. (خلیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۲۴؛ تفضلی، ۱۳۷۵: ۸۴-۸۵؛ با تفاوت‌هایی چپرا: ۸۲-۸۳). به نظر می‌رسد با توجه به شواهد ذکر شده، امام علی (ع) این شرایط را در زمان خود ایجاد کرده بود. بنابراین باید دولت‌ها با تعامل مناسب با بازاریان، ضمن ساماندهی همه اصناف، نظام خود نظارتی را بر پایه بازرسی‌های جداگانه اصناف و کسبه مختلف راه‌اندازی کنند و از طریق سامانه‌های پیشرفته، دیدگاه‌ها و شکایات مردم را نیز پیگیری نمایند.

۲-۲-۵. جلوگیری از فعالیت‌های اقتصادی نامشروع

فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی، غیر شرعی و مضر، به عموم مردم و اقتصاد آسیب می‌رسانند. هدف دین هم از ممنوع ساختن برخی فعالیت‌ها، انجام روابط اقتصادی مردم بر پایه راستی و عدالت است تا ضمن گرایش همگان به کار و کوشش، راه‌هایی که موجب تمرکز ثروت در دست گروهی خاص شود، مسدود گردد (فراهانی فرد، ۱۳۸۵: ۹۰). اکنون به برخی از این موارد پرداخته می‌شود.

۱-۲-۲-۵. احتکار

«احتکار»^۲ به معنای انباشت و عدم عرضه کالاها یا اساسی به منظور افزایش قیمت و فروش تدریجی آنها با قیمت بالاتر است (صدیقی، ۱۳۸۴: ۱۸۴). پیامبر (ص) فرد محتکر را از رحمت خدا دور دانسته است (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۶۵/۵؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۲۶۶/۳؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۵۹/۷؛ طوسی، ۱۳۹۰: ۱۱۴/۳). امام علی (ع) احتکار را از اوصاف فاجران برشمرده (آمدی: ۳۶۱، حدیث ۸۲۰۳) و در تعبیری می‌فرماید: «المحتکر آثم عاص» (نعمان، ۱۳۸۵: ۳۵، ج ۲) در عهدنامه مالک اشتر، ایشان ضمن اعلام مخالفت صریح خود با احتکار، چنین فرموده: «و

۱. فراوانی عرضه‌کنندگان و صاحبان تقاضا به جهت عدم اثرگذاری بر قیمت بازار است.

اِحْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّمًا فِي الْبَيَاعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبَةٌ لِلْعَامَّةِ» و مالک را به جلوگیری از احتکار و مجازات محترکان چنین دستور داده است: «فَأَمْنَعُ مِنَ الْاِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص مَنَعَ مِنْهُ... فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةَ بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَكَلَّلْ بِهِ وَ عَاقِبَتُهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ» (نامه ۵۳) از این رو در حرمت احتکار تردیدی نیست و مقابله با آن هم باید قاطعانه صورت گیرد تا اثرگذار باشد. علی (ع) ضمن نهی از احتکار در شهرها، (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۶۷/۳) در بخشنامه‌ای به کارگزارانش در شهرهای گوناگون از جمله «رفاعه بن شداد» قاضی اهواز، دستور به تنبیه و مجازات احتکارکنندگان داده است (نعمان: ۳۶/۲؛ نوری: ۲۷۷/۱۳).

گرچه برخی از فقها با استناد به برخی از روایات، دامنه احتکار را محدود به مواد غذایی دانسته‌اند (حرعاملی: ۴۲۳/۱۷-۴۲۶)، ولی ملاک احتکار، نیاز و ضرورت جامعه است و بایستی آن را اعم از مواد غذایی دانست. بنابراین روایاتی که به احتکار مواد غذایی اشاره دارند، از باب نمونه بوده و براساس اقتضای آن زمان صادر گردیده است؛ در حالی که دامنه احتکار فراتر از مواد غذایی است.^۱ از نظر امام علی (ع) هر احتکاری که باعث ضرر به مردم و افزایش قیمت‌ها شود، نکوهش شده است: «كُلُّ حُكْرَةٍ تُضِرُّ بِالنَّاسِ وَ تَغْلِي السَّعْرَ عَلَيْهِمْ فَلَا خَيْرَ فِيهَا» (نوری: ۲۷۴/۱۳-۲۷۵).

به نظر می‌رسد دولت بایستی با تقویت نظام نظارتی و سامانه‌های اطلاعات کالاها، از بروز هر گونه احتکار پیشگیری کند و در صورت ارتکاب آن، برخورد قاطعانه و فوری با محترکان، اثر بازدارندگی را به عموم مردم و همه فعالان اقتصادی بنمایاند.

۲-۲-۲-۵. انحصار

انحصار^۲ یا به تعبیر جدید رانت و ویژه‌خواری، موجب فشار بر طبقات ضعیف و ثروتمندتر شدن انحصارگرایان و رانت‌خواران می‌گردد. امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر چنین می‌فرماید: «والی را نزدیکان است و خویشاوندان که خوی برتری جُستن دارند و گردن‌فرازی کردن و در معاملات، انصاف را کمتر به کار بستن. ریشه ستم اینان را با بُریدن اسباب آن برآر و به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندان زمین را به بخشش و امگذا، و مبادا در تو طمع کنند

۱. البته از نظر برخی اندیشمندان اقتصادی مسلمان مانند ابن خلدون احتکار کالاها را تجملی و غیرضروری قبحی ندارد. (خلیلی، ۱۳۸۰: ۱۳۰-۱۳۱)

با بستن پیمانی که مجاور آنان را زیان رساند در بهره که از آب دارند، یا کاری که باید با هم به انجام رسانند و رنج آن را بر عهده دیگران نهند، پس بر آنان تنها گوارا افتد و عیب آن در دنیا و آخرت بر تو ماند» (نامه/۵۳). پایبندی به این اصل چنان سخت است که ایشان در ادامه مالک اشتر را به صبر و شکیبایی بر انجام آن فرامی‌خواند و با اشاره به دشواری‌ها، پایان آن را مطلوب و پسندیده می‌شمارد.

ممکن است کالا یا خدماتی توسط گروه‌هایی به انحصار درآید و برای آن بخش قیمت دلخواه گذاشته شود، گاهی انحصار فراتر از یک کالا است و مربوط به مراکز بزرگ می‌شود. در کشور ایران، اندکی از انحصارها، (مانند تولید برق کشور) طبیعی هستند، ولی اغلب مراکز، مؤسسات و بنیادها، انحصارهای غیرطبیعی دارند که باید از انحصار خارج گردند و یا حداقل تحت محاسبه دقیق و پرداخت‌های مالیاتی کامل قرار گیرند و در صورت انتفاعی بودن، از بودجه دولتی نیز محروم گردند.

۳-۲-۲-۵. ربا

«ربا» به معنای افزونی و زیادشدن است (ابن منظور: ۳۰۵/۱۴؛ راغب: ۳۴۰؛ فراهیدی: ۲۸۳/۸؛ مصطفوی: ۳/۴) و در برخی از آیات قرآن نیز به همین معنا به کار رفته است (نحل/۹۲؛ حج/۵؛ مومنون/۵۰). در دین یهودیت و مسیحیت ربا حرام بوده است (سفر خروج، باب ۲۲، بند ۲۵؛ حزقیال، باب ۱۸، بند ۸ و ۱۳ و ۱۷ و باب ۲۲، بند ۱۲؛ اشعیا نبی، باب ۲۴، بند ۲؛ امثال سلیمان، باب ۲۸، بند ۸؛ مزامیر، باب ۱۵، بند ۵؛ نحمیا، باب ۵، بند ۱۰؛ انجیل لوقا، باب ۶، بند ۳۴-۳۵؛ باب ۱۹، بند ۲۳). در تورات از قول خداوند به موسی (ع) چنین آمده است: «از او ربا و سود مگیر و از خدای خود بترس تا برادرت با تو زندگی ننماید. نقد خود را به او به ربا مده و خوراک خود را به او به سود مده» (سفر لاویان، باب ۲۵، بند ۳۶-۳۷). قرآن نیز از حرام بودن ربا بر یهودیان خبر داده است (نساء/۱۶۰-۱۶۱). رباخواری در اروپای قدیم به جایی رسیده بود که بدهکار هنگامی که از پرداخت بدهی و سودش ناتوان می‌ماند، گاهی خودش به همراه زن و فرزندش به ملکیت طلبکار درمی‌آمد (طالقانی، ۱۳۴۴: ۱۷۳).

تحریم ربا صراحتاً در قرآن آمده (بقره/۲۷۵) و در آیات قرآن از رباخواری نهی شده

(آل عمران/۱۳۰-۱۳۲) و در حکم جنگ با خدا و رسولش دانسته شده است (بقره/۲۷۸-۲۷۹). پیامبر (ص) در قسمتی از وصیت خود به علی (ع) ربا را هفتاد شعبه دانسته که آسان‌ترین آن، در حدّ زنای مرد با مادر خود در خانه خداست و گناه یک درهم ربا، از هفتاد بار زنا با محارم در خانه خدا بزرگتر است (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۶۷/۴؛ حر عاملی: ۱۲۱/۱۸-۱۲۲).

از دیدگاه امام علی (ع) جایگاه و مجازات رباخوار، واسطه، نویسنده و شاهد ربا یکسان است (کلینی: ۱۴۴/۵). ایشان هر روز در بازار قدم می‌زد و ضمن فرامینی به اهل بازار، آنان را از نزدیک شدن به رباخواری برحذر می‌داشت (کلینی: ۱۵۱؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۹۳/۳-۱۹۴). امام علی (ع) توبه‌کننده از ربا را همانند توبه‌کننده از شرک برمی‌شمارد (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۵۱/۱۰؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۲۷۴/۳) و در سخنی می‌فرماید: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ الرَّبَّاءَ وَ آكِلَهُ وَ مُؤَكِّلَهُ وَ بَائِعَهُ وَ مُشْتَرِيَهُ وَ كَاتِبَهُ وَ شَاهِدِيَهُ» (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۵/۷).

در روایتی از امام صادق (ع)، درباره علت تحریم ربا این نکته بیان شده که اگر ربا حلال بود، مردم تجارت صحیح و فعالیت‌های اقتصادی درست را رها می‌کردند (صدوق، ۱۴۱۳: ۵۶۷/۳). برخی از اقتصاددانان^۱ علت‌های تحریم ربا را چنین برشمرده‌اند: ۱- ایجاد دشمنی میان مردم و از بین بردن روح تعاون و استثمار و بردگی انسان به انسانی دیگر، ۲- ایجاد قشر غنی که بدون تلاش به ثروت برسد، ۳- استعمار و تسلط و خواری افراد، ۴- پرورش خوی برتری‌جویی و خودخواهی و مال‌پرستی، ۵- جلوگیری مردم از اشتغال و کسب و کار با دوری از صنعت و آبادانی و تجارت و ۶- طمع و حرص افراد مرفه، نسبت به تأخیر انداختن ادای قرض از سوی نیازمندان و فقیران (بدوی، ۱۴۲۴: ۲۳۹-۲۴۱). با تحریم و مقابله با ربا، عملاً پس انداز پول و راکد کردن آن، فایده‌ای نخواهد داشت و تنها راه برای کسانی که قصد کسب درآمد از پس اندازهایشان را دارند، مشارکت با تولیدکنندگان خواهد بود.

۴-۲-۵. غش، غرر و کم‌فروشی در معامله

غش^۲ رفتاری است که طرف معامله کالای خود را با چیز کم‌ارزشی بیامیزد و بدون اعلام به خریدار بفروشد. امام علی (ع) در کلامی غش‌کننده در معامله را بدترین مردم معرفی نموده است (آمدی: ۳۶۰، حدیث ۸۱۵۰). هشام‌بن حکم چنین روایت کرده که مشغول فروختن جامه نازک

۱. دکتر اسماعیل ابراهیم بدوی، استاد دانشگاه کویت و از اقتصاددانان مسلمان.

۲. Fraud؛ کلاهبرداری و دغل‌کاری

در سایه بود. امام کاظم (ع) فروختن در سایه را غش دانست و مرا نهی کرد (کلینی: ۱۶۱/۵).

غَرر^۱ در لغت به معنای فریب و خطر است (ابن منظور: ۱۲/۵؛ مصطفوی: ۲۰۶/۷).

«بیع الغرر» فروش کالایی با ظاهری فریبنده و باطنی نامعلوم برای مشتری است (ابن منظور: ۱۴/۵) و پیامبر (ص) از بیع غرر نهی کرده است (حرعاملی: ۳۵۲/۱۷ و ۳۵۸؛ راغب: ۶۰۴؛ ابن منظور: ۱۳/۵؛ مصطفوی: ۲۰۶/۷). این نوع معامله، پنهان داشتن مشخصات کالا مانند مقدار، قیمت، زمان پرداخت بهاء، زمان تحویل کالا را شامل می‌شود (صدیقی، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

بنابراین معامله‌ای است که نسبت به کالای مبادله شده، آگاهی دقیق وجود ندارد، مانند فروش ماهی در آب یا پرند در هوا (ابن منظور: ۱۴/۵). از امام علی (ع) درباره معامله شیر در پستان، پشم در بدن گوسفند و ماهی در آب پرسیده شد، ایشان ضمن غرر دانستن آن، این‌گونه از چنان معامله‌ای نهی فرمودند: «هَذَا كُلُّهُ لَا يَجُوزُ لِأَنَّهُ مَجْهُولٌ غَيْرٌ مَعْرُوفٍ يَقِلُّ وَ يَكْثُرُ وَ هُوَ غَرْرٌ» (نعمان: ۲۳/۲؛ نوری: ۲۳۵/۱۳ و ۲۳۸). برخی فعالیت‌های سودجویان همچون سفته‌بازی^۲ که امروزه رایج است، در همین معامله غرر قابل بحث است. راه حل مقابله با آن، ایجاد ثبات اقتصادی، کنترل تورم، ارتقای سطح دانش اقتصادی مردم، وضع مالیات بر سفته‌بازان و افزایش شفاف‌سازی اقتصادی است.

در آیات قرآن کم‌فروشی تقبیح شده و بر تمام فروشی تأکید شده است (مطففین/۱-۳؛ هود/۸۴؛ شعراء/۱۸۱-۱۸۳). هنگامی که پیامبر (ص) به مدینه رفت، کم‌فروشی در آنجا رایج بود. آن حضرت آیات آغازین سوره مطففین را برایشان خواند و پس از آن، مردم روش خود را اصلاح کردند (نوری: ۲۳۲/۱۳). امام علی (ع) در خطبه عید فطر در ضمن توصیه‌هایی، بر ترک کم‌فروشی تأکید فرموده است (صدوق، ۱۴۱۳: ۵۱۴/۱).

بنابراین بازار جامعه اسلامی باید دور از هرگونه فعالیت غیرقانونی، نامشروع و مضر باشد. در این باره، در کنار بسترسازی فرهنگی و آموزشی، باید نظام نظارتی دقیقی مستقر گردد و درباره همه معاملات، شفاف‌سازی دقیق و کامل صورت گیرد.

1. Alea , Hazard

۲. Speculation؛ عملی فرصت طلبانه و منفی مانند خرید فروش ارز و اوراق بهادار است که به دلیل نوسانات تورمی، با ریسک بالا انجام می‌گیرد.

۳-۲-۵. مدیریت عرضه و تقاضا

مقصود از «تقاضا»^۱ در اقتصاد، قدرت خرید کالا یا خدمت است (عربی، سید هادی و علوی، سید اسحاق ۱۳۹۲: ۶۸). عوامل متعددی بر تقاضا تأثیر دارند از جمله: تغییر قیمت کالا، تغییر درآمد فرد، قیمت کالای جانشین،^۲ قیمت کالای مکمل،^۳ ذائقه و سلیقه افراد و سیاست‌ها و تصمیمات دولت (عربی، سید هادی و علوی، سید اسحاق ۱۳۹۲: ۶۸-۷۲؛ خلیلی تیرتاشی، نصرالله، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۲).

منظور از «عرضه»^۴ مقدار کالا یا خدماتی است که تولیدکننده مایل و قادر به عرضه آن در بازه زمانی و قیمت معین باشد (عربی، سید هادی و علوی، سید اسحاق ۱۳۹۲: ۷۹). عوامل مؤثر بر مقدار عرضه نیز عبارتند از: قیمت کالا، قیمت نهاده‌های تولید، پیشرفت تکنولوژی، قیمت کالاهای مرتبط، حوادث طبیعی و غیرمترقبه، مقدار تقاضا و سیاست‌های دولت (عربی، سید هادی و علوی، سید اسحاق ۱۳۹۲: ۷۹-۸۲؛ خلیلی تیرتاشی، نصرالله، ۱۳۹۳: ۶۸-۷۰).

امام علی (ع) به طور مداوم بر بازارهای گوناگون نظارت داشت و از نزدیک اوضاع را رصد می‌کرد و گاهی هشدارهایی به بازاریان می‌داد (کلینی: ۱۵۱/۵). ایشان در بازار بصره، به نصیحت بازاریان می‌پرداخت (مفید، ۱۴۱۳: ۱۱۹-۱۲۰). علی (ع) عرضه انحصاری را قبول نداشت (نامه ۵۳) و برخی فرمایشات آن حضرت در نکوهش بازار (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۹۹/۳)، اشاره به مخاطرات آن و احتمال افتادن در کسب حرام و آسیب‌های بازار دارد. همچنین استفاده از کالاهای داخلی اهمیت زیادی دارد. علی (ع) بر لزوم عدم استفاده از کالاهای غیرمسلمانان همچون لباس و مواد غذایی تأکید داشته‌اند (برقی، ۱۳۷۱: ۴۱۰/۲ و ۴۴۰؛ حرعاملی: ۲۷/۵ و ۳۸۷/۲۴).

سیاست قیمت‌گذاری نظام عرضه و بازار در نگاه امام علی (ع) به گونه‌ای است که نه فروشنده زیان ببیند و نه خریدار ضرر کند. البته فروشنده ضمن بردن سود، با خریدار مدارا کند و عدالت حاکم باشد (نامه ۵۳). چنانچه تقاضا کاهش یا افزایش یابد، تغییراتی در قیمت و عرضه اتفاق

1. Demand

۲. به عنوان مثال، وقتی عرضه گوشت قرمز بنا بر علتی (مثلاً بیماری جنون گاوی) کاهش یابد، تقاضا برای خرید گوشت سفید (مرغ و ماهی) به عنوان کالای جانشین افزایش می‌یابد.
۳. دو کالایی که معمولاً با هم مصرف می‌شوند. (مانند قند و چای، وایت‌برد و ماژیک).

4. Supply

می‌افتد که در جدول ذیل به آنها اشاره می‌شود:

جدول ۲. سیاست قیمت‌گذاری نظام عرضه و بازار

| ۳- عرضه کاهش یابد | | ۲- عرضه افزایش یابد | | ۱- عرضه تغییر نکند | | گر |
|-------------------|----------------|---------------------|-------|--------------------|-------------|-------------|
| قیمت | افزایش می‌یابد | کاهش می‌یابد | قیمت | تغییر نمی‌کند | تقاضا | ۱- تقاضا |
| مقدار | کاهش می‌یابد | افزایش می‌یابد | مقدار | تغییر نمی‌کند | تغییر نکند | تغییر نکند |
| قیمت | افزایش می‌یابد | نامشخص است | قیمت | افزایش می‌یابد | تقاضا | ۲- تقاضا |
| مقدار | نامشخص است | افزایش می‌یابد | مقدار | افزایش می‌یابد | افزایش یابد | افزایش یابد |
| قیمت | نامشخص است | کاهش می‌یابد | قیمت | کاهش می‌یابد | تقاضا | ۳- تقاضا |
| مقدار | کاهش می‌یابد | نامشخص است | مقدار | کاهش می‌یابد | کاهش یابد | کاهش یابد |

از این رو برخی از نکات پیشنهادی که استنباط نگارندگان با در نظر گرفتن شرایط کنونی جامعه است، چنین مطرح می‌گردد: متولیان دولتی براساس آمار جمعیتی همه استان‌ها و شهرها و اطلاعات مربوط به میزان تولید، مصرف، صادرات و واردات محصولات مختلف در سراسر کشور، نسبت به مدیریت تولید، عرضه و تقاضا به صورت نظام مند اقدام نمایند. به عنوان مثال میزان تولید و مصرف گوجه‌فرونگی در همه شهرها و حتی روستاها به صورت کاملاً جداگانه جمع‌آوری گردد. اگر آگاهی‌ها و اطلاعات دقیقی در این زمینه وجود داشته باشد، نظام عرضه و تقاضا به صورت دقیق مدیریت شده و برخی از آسیب‌ها مانند احتکار، گران‌فروشی، دلالی و... نیز برطرف می‌گردد. گاهی اتفاق می‌افتد میزان تولید برخی از محصولات کشاورزی، نسبت به مصرف آن بسیار زیاد بوده و در نتیجه با انباشت آن در دست تولیدکننده، ضمن هدر رفت منابع طبیعی و آب و خاک کشور و هزینه‌های انسانی تولید، خود محصولات نیز فاسد می‌گردند. اگر نظام یکپارچه‌ای به منظور مدیریت دقیق تولید، مصرف و هدایت صادرات و واردات در کشور ایجاد گردد، کشاورزان و باغداران و تولیدکنندگان محصولات دیگر نیز به خاطر عدم فروش کالاهای خود، ضرر نمی‌بینند. مسئولان مربوطه می‌توانند با پشتوانه اطلاعات دقیق گفته‌شده، با راه‌اندازی سامانه دقیق و روزآمد، پیشنهاد تولید نوع و میزان کالاها را به تولیدکنندگان ارائه نمایند تا چرخه اقتصادی کشور به سمت نقطه مطلوب حرکت کند.

شایسته است بازار امروز به سمت بازار الکترونیک حرکت کند و آن استفاده از فناوری دیجیتال و ارتباطات الکترونیکی برای پیدا کردن بهترین کالا یا بهترین قیمت است (شیروی، ۱۳۹۶: ۴۰۵). تجارت الکترونیکی^۱ هر نوع فعالیت تجاری است که در آن از رایانه و فن آوری دیجیتال استفاده می شود. در برخی از کشورها بازار الکترونیکی مرسوم است و استفاده از فضای اینترنت در بسیاری از فعالیت های جامعه از قبیل خرید و فروش کالاها و خدمات گسترش یافته است. البته در این زمینه بایستی مسائل حقوقی تجارت الکترونیک و انعقاد قراردادهای الکترونیک و شرایط صحت و مستند بودن و امنیت داده ها و اعتبار هویت طرفین مورد دقت و راستی آزمایی قرار گیرد (شیروی، ۱۳۹۶: ۴۰۹-۴۳۷).

۴-۲-۵. ثبات قیمت ها

در حدیث نبوی، یکی از نشانه های خشنودی خداوند در میان آفریدگانش، کاهش قیمت ها است و البته افزایش قیمت ها نیز به عنوان نشانه خشم خداوند به شمار رفته است (کلینی: ۱۶۲/۵، طوسی، ۱۳۶۵: ۱۵۸/۷؛ صدوق: ۱۴۱۳: ۲۶۹/۳). علی (ع) نیز از پیامبر (ص) چنین روایت فرموده است: «هرگاه خداوند بر امتی خشم گیرد و بر آن عذاب نازل نکند، قیمت ها در آن بالا رود، آبادانی اش کاهش یابد، بازرگانانش سود نبرند، میوه های رشد نکنند، جوی هایش پر آب نگردند، باران بر آن نبارد و افراد بد بر آن چیره گردند» (کلینی: ۳۱۷/۵؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۴۸/۳؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۵۲۴/۱). بر اساس روایات، گرانی قیمت ها باعث بد شدن اخلاق و رفتار، از میان رفتن امانت داری و بروز سختی و فشار در زندگی می شود: «غَلَاءُ السَّعْرِ يُسِيءُ الْخُلُقَ وَيَذْهَبُ الْأَمَانَةَ وَ يُضَجِّرُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ» (کلینی: ۱۶۴/۵).

۱-۴-۲-۵. مفهوم تورم و افزایش قیمت

میان تورم و افزایش قیمت، تفاوت وجود دارد. تورم در صورتی است که افزایش سطح عمومی قیمت ها طی یک دوره نسبتاً طولانی (نه فصلی^۲) صورت بگیرد (شریف، ۱۳۹۴: ۱۶۵). وجود تورم به خودی خود مفید است و تورم کنترل شده و محدود، باعث افزایش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی می شود، ولیکن از سوی دولت بایستی تورم در سطح متعادلی نگه داشته شود.

۱. Electronic Commerce: در معنای عام به همه شکل های معاملات تجاری اشخاص و سازمان ها گفته می شود که مبتنی بر فرآیند الکترونیکی و انتقال الکترونیکی داده ها از جمله صوت، تصویر و متن است. (شیروی، ۱۳۹۶: ۴۰۰)

۲. مثلاً فروش کالاهای کشاورزی در غیر از فصل برداشت، با افزایش قیمت مواجه می شود.

تورم زیاد و نامنظم، باعث ناهماهنگی و اختلال در اقتصاد شده و بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی را به دنبال می‌آورد. اقتصاد ایران در صد سال اخیر تورم‌های فراوان یک رقمی و دورقمی (۴۹ درصد در سال ۱۳۷۴) را به خود دیده است و حتی تورم سه رقمی ۱۱۰/۵ درصد را در سال ۱۳۲۲ تجربه کرده است^۱ (عربی و علوی، ۱۳۹۲: ۲۷۵). براساس محاسبات مرکز آمار ایران، بنا بر گزارش معاون دفتر شاخص قیمت‌های مرکز آمار ایران، میزان تورم نقطه‌ای در انتهای سال ۱۳۹۷ به عدد ۴۷/۵ رسید و این روند افزایشی ادامه داشته تا اینکه در اردیبهشت ۱۳۹۸ به عدد ۵۲/۱ درصد رسید و البته پس از آن روند کاهشی داشته است. میزان تورم سالانه نیز تا شهریور ۱۳۹۸ به عدد ۴۲/۷ درصد (رضایی، ۱۳۹۸: ۳) و در اسفند ماه ۱۳۹۹ به عدد ۴۸/۷ درصد رسیده است (شهیدی و کاویانی، ۱۴۰۰: ۹).

میزان تورم، درصد تغییرات سطح عمومی قیمت‌های یک دوره زمانی خاص مانند یک سال نسبت به سال گذشته را ارائه می‌دهد. میزان (نرخ) تورم عبارت است از:

$$\text{نرخ تورم}^۲ = \frac{\text{سطح عمومی قیمت‌ها در سال قبل} - \text{سطح عمومی قیمت‌ها در سال جاری}}{\text{سطح عمومی قیمت‌ها در سال قبل}} \times ۱۰۰$$

۲-۴-۲-۵. ممانعت از قیمت‌گذاری

قیمت‌گذاری از سوی حکومت جز در شرایط خاص مانند عدم تعادل بازار و نوسان‌های شدید اقتصادی، مناسب نیست. با اینکه به پیامبر (ص) پیشنهاد قیمت‌گذاری به همراه فواید آن ارائه شد، ولیکن ایشان با بدعت خواندن تسعیر، از آن خودداری نموده‌اند (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۶۸/۳؛ حر عاملی: ۴۳۱/۱۷) و حتی زمانی که قیمت‌ها به شدت افزایش یافته بود، تثبیت قیمت‌ها را نپذیرفتند (فراهانی فرد، ۱۳۸۵: ۹۰). در کتب معتبر روایی نقل شده که در زمان پیامبر (ص) خوراکی‌ها نایاب شد و تنها نزد یک نفر مانده بود. ایشان به درخواست مردم، به آن فرد توصیه کرد که احتکار نکند، ولی به هر قیمتی که خواست بفروشد (کلینی: ۱۶۴/۵؛ طوسی، ۱۳۹۰: ۱۱۴/۳؛ حر عاملی: ۴۲۹/۱۷).

۱. آمار تورم در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران در سایت بانک مرکزی به آدرس www.cbi.ir موجود است.

۲. عربی و علوی: ۲۶۸؛ دادگر و رحمانی: ۳۲۷؛ خلیلی، ۱۳۹۳: ۱۹۷.

روش امام علی (ع) نیز عدم قیمت گذاری بوده، ولی با کم فروشی مبارزه کرده و به کم فروشان نیز چنین فرموده اند: «همانند مردم بفروش و در غیر این صورت از بازار خارج شو، مگر آنکه کالایت از دیگران بهتر باشد» (نوری: ۲۷۸/۱۳؛ نعمان: ۳۶/۲). البته عدم ممانعت از تثبیت قیمت ها زمانی بود که تغییرات قیمتی در بازار، ناشی از عوامل واقعی در عرضه و تقاضاست و در صورت بروز فشار از ناحیه انحصار خرید یا انحصار فروش، باید دولت در تثبیت قیمت ها دخالت کند. بدین ترتیب، چنانچه اجحافی در بازار صورت گیرد، مسئولان می توانند دستور تعدیل قیمت ها را صادر کنند، ولی واداشتن فروشنده به فروختن کالای خود به قیمت مشخصی روا نیست. آن حضرت در عهدنامه مالک اشتر نیز مدیریت بر قیمت کالا را چنین بیان می کند که نه فروشنده زیان ببیند و نه خریدار ضرر کند: «وَلَيْكُنَ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بَمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ»^۱ (نامه/۵۳)، از این فرمایش چنین برداشت می شود که در صورت بروز اجحاف، دولت می تواند اقدام به قیمت گذاری کند.

برخی از فقهای معاصر همچون آیت الله منتظری (ره) نیز ضمن مخالفت با قیمت گذاری و کنترل قیمت ها، از اجماع امامیه در این باره سخن گفته اند (تسخیری: ۴۳۹-۴۴۰؛ به نقل از مفتاح الکرامة: ۱۰۹/۴). برخی اقتصاددانان بر این باورند که در صورت نگه داشتن قیمت کالایی در زیر سطح بازار، دو پیامد به وجود خواهد آمد: ۱- افزایش تقاضا برای آن کالا، زیرا به خاطر ارزانی کالا، مردم وسوسه می شوند بیشتر بخرند و از عهده خرید هم برمی آیند و ۲- کاهش عرضه آن کالا، زیرا با خرید بیشتر مردم و کاهش عرضه انباشته فروشندگان، انگیزه تولید آن کالا کاهش یافته و به تدریج از عرضه آن نیز کاسته می شود (هنزلیت، ۱۳۹۲: ۱۵۳). بنابراین راه حل درست، منطقی کردن قیمت هاست، نه کاهش قیمت ها و یا تثبیت آن.

۳-۴-۲-۵. راه های حل معضل تورم

برای درمان معضل تورم، باید علل آن را فهمید و به صورت ریشه ای با آن مقابله کرد. برخی از عوامل تورم، عارضی است که در اثر بروز حوادث خاصی، تورم ایجاد می گردد؛ ولیکن در شرایط عادی، تورم، علل اقتصادی و ساختاری دارد که مهمترین علل و راهکارهای مقابله با آن در جدول ذیل اشاره می گردد:

۱. باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد، با نرخ های - رایج بازار- نه به زیان فروشنده و نه خریدار.

جدول ۳. علل و راهکارهای مبارزه با تورم

| ردیف | علت تورم | راهکار علوی | راهکار امروزی |
|------|---|---|---|
| ۱ | کمبود کالا | منع احتکار و مجازات محکمر (نامه/۵۳ و نعمان: ۳۶/۲) | تسریع در برخورد قاطع با احتکارکنندگان |
| ۲ | ضعف در نظام توزیع | تفکیک بازار و عدم دریافت هزینه از فروشنندگان و رقابتی کردن آن (کلینی): ۱۵۵/۵؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۹/۷؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۹۹/۳ | حذف واسطه‌ها، کاستن از هزینه مبادله، راه‌اندازی سامانه الکترونیکی |
| ۳ | افزایش تقاضا بر عرضه | مدیریت مصرف و دوری از اسراف در همه هزینه‌ها (صدوق، ۱۴۰۳: ۳۱۰/۱) | برقراری تعادل تقاضا و عرضه، مدیریت دقیق صادرات و واردات |
| ۴ | افزایش هزینه عرضه و ضعف در نظام تولید | حمایت همه‌جانبه از تولیدکنندگان، کشاورزان و صنعت‌گران (نامه/۵۳) | جلوگیری از افزایش قیمت نهاده‌های تولید، حمایت دولت در مصارف انرژی و نیروی کار، حمایت بانک‌ها از تولید |
| ۵ | افزایش نقدینگی | حمایت و هدایت اموال به سوی کارهای عمرانی و تولیدی (نامه/۵۳) | مدیریت صحیح بودجه‌های دولتی، پیشگیری از کسری بودجه، کاهش هزینه‌های غیرضروری دولت |
| ۶ | سودجویی انحصارگرایان و مافیایها | جلوگیری از انحصار بازار (کلینی): ۱۵۵/۵؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۹/۷، پرهیز از اعطای امتیاز به اطرافیان و شفاف‌سازی اقتصادی (نامه/۵۳) | وضع قوانین شفاف و اجرای دقیق آن، برخورد قاطع با اخلاص‌گران اقتصادی، رقابتی کردن بازار |
| ۷ | عدم ثبات اقتصادی و دلایل روانی | ارتقای سطح دانش اقتصادی (ابن ابی الحدید: ۱۰۹/۴؛ مجلسی: ۳۳۵/۳۴ و ۱۳۲/۴۱؛ کلینی: ۱۵۴/۵؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۹۳/۳؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۵/۷) | فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی به اقشار گوناگون، دادن آموزش‌های مرتبط به مردم، پرهیز مسئولان از دادن وعده غیرعملی، اتخاذ سیاست‌های مناسب به منظور جلوگیری از تقاضای کاذب |

دولت می‌تواند با ورود بر توزیع کالاها از طریق راه‌اندازی نظام دقیق و نظارت از تولید تا مصرف، از هزینه‌های مبادله آن بکاهد و همچنین خدمات ویژه‌ای برای بازارهای خرید و فروش کالاها ارائه دهد. زیرا به نظر اقتصاددانان، «اقتصاد مانند موجود زنده‌ای است که هرچه هزینه مبادله در آن کمتر باشد، دیواره رگ‌های بدن این موجود زنده، گشادتر و انعطاف‌پذیرتر است و مانعی برای خون‌رسانی به تمام سلول‌ها و اجزای بدن نیست... علم اقتصاد درباره جوامعی سخن

۱. قاعده‌ای با عنوان «إصحار» دارد که به اصطلاح امروزی، همان شفاف‌سازی است.

می‌گوید که هزینه مبادله در آنها در حداقل قرار گیرد» (رنانی، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۳). بدین منظور پیشنهاد می‌شود دولت از املاک تحت اختیار خود، فضاهای مناسبی را (با در نظر گرفتن جوانب آن) در اختیار فروشندگان کالاها قرار دهد تا عموم مردم نیز بتوانند بدون واسطه‌گری‌ها، کالاهای مورد نیاز خود را با قیمت مناسب‌تری خریداری کنند.^۱ طبیعتاً اگر فروشندگان مجبور نباشند مبلغ زیادی را بابت اجاره پردازند، قیمت کالاها پایین‌تر خواهد آمد و البته تحقق این امر نیاز به تدقیق امور و پیگیری مداوم دارد. در منابع معتبر روایی در سیره امام‌علی (ع) چنین آمده است که ایشان نسبت به دریافت اجاره‌بازار کراهت داشت: «عَنْ عَلِيٍّ (ع) أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ سُوقِ الْمُسْلِمِينَ أَجْرًا» (طوسی، ۱۳۶۵: ۳۸۳/۶؛ حرعاملی: ۴۰۶/۱۷).

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در کنار احکام ثابت و دائمی، آموزه‌های اسلامی با انعطاف‌پذیری خود متناسب با اقتضانات زمان، می‌تواند باعث هدایت زندگی انسان گردد. اقتصاد اسلامی نوعی جدید از اقتصاد و یا در تقابل با اقتصاد متعارف نیست؛ بلکه همان اقتصاد متعارف است که با اصلاحاتی در مبانی، اصول و روش‌های آن، به مدد اقتصاد آمده و چالش‌ها و مشکلات اقتصادی جامعه را حل می‌کند. بستر عدالت اقتصادی پس از ایجاد نگاه دقیق به مقوله فقر و ناداری و کوشش جدی برای مقابله با آن فراهم می‌گردد.

بی‌نیازی در کنار پروا داری، منجر به خیر دنیا و آخرت می‌شود و مجموع فقر و تهکاری به نتیجه منفی منجر می‌شود که همان شر دنیا و آخرت است. دولت‌ها می‌توانند با تعامل مناسب با بازاریان، ضمن ساماندهی همه اصناف، نظام خودنظارتی را بر پایه بازرسی‌های جداگانه اصناف و کسبه مختلف راه‌اندازی کنند و از طریق سامانه‌های پیشرفته، مشکلات مردم را نیز پیگیری نمایند. فعالیت‌های اقتصادی نامشروع مردم را از تجارت صحیح و فعالیت‌های اقتصادی

1 - در کنار دسترسی آسان مردم به بازارهای متفاوت، سازمان‌ها مربوطه از جمله سازمان صنعت، معدن و تجارت و شهرداری‌ها می‌توانند ضمن تعامل با انجمن‌های صنفی، شروطی مانند فروش به قیمت تمام‌شده و بدون احتساب هزینه‌های مبادله‌ای و حمل و نقل در نظر بگیرند و البته خدماتی مانند اجاره بهای ناچیز، تخفیف مالیاتی و در اختیار قرار دادن امکانات فیزیکی به فروشندگان ارائه نمایند. در صورت محدودیت فضا، استفاده از مکان‌های عمومی و مذهبی نیز (برای بعضی اصناف و در زمان‌های مشخص) پیشنهاد می‌گردد.

درست دور می‌کنند.

روایاتی که به تحدید احتکار بر مواد غذایی اشاره دارند، از باب نمونه بوده و براساس اقتضای آن زمان صادر گردیده است. از این رو دامنه احتکار فراتر از مواد غذایی است. دولت می‌تواند با ورود بر توزیع کالاها از طریق راه‌اندازی نظام دقیق و نظارت از تولید تا مصرف، از هزینه‌های مبادله آن بکاهد و همچنین خدمات ویژه‌ای برای بازارهای خرید و فروش کالاها ارائه دهد. قیمت‌گذاری بایستی براساس نظام عرضه و تقاضا در بستر شفافیت صورت پذیرد. تنها زمانی دولت به صورت موردی ورود کند که اجحاف بزرگ یا انحصاری شکل گیرد. در کنار بسترسازی فرهنگی و آموزشی، باید نظام نظارتی دقیقی مستقر گردد و درباره همه معاملات، شفاف‌سازی دقیق و کامل صورت گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۶). *غرر الحکم و درر الکلم*، یک جلدی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. امامی، محمد (۱۳۸۵). «بررسی نظارت بر بازار در آموزه‌های نبوی و علوی»، مجله تخصصی هیات و حقوق، شماره ۲۱ و ۲۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۱۷۱-۱۹۳.
۴. ایروانی، جواد (۱۳۹۱). *آشنایی با اقتصاد اسلامی*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۵. بدوی، اسماعیل ابراهیم (۱۴۲۴ق). *التوزیع و النقود فی الاقتصاد الاسلامی و الاقتصاد الوضعی*، کویت: جامعه الکویت (لجنة التالیف والتعریب والنشر).
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). *المحاسن*، قم: دارالکتب الإسلامیة.
۷. تاون، جورج (۱۳۸۲). «ابن خلدون پدر علم اقتصاد»، ترجمه حسن توانایان فرد، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۳۵-۱۵۰.
۸. تسخیری، محمدعلی (۱۳۹۰). *اقتصاد اسلامی؛ درس‌هایی در آیین اقتصادی اسلام و مباحث تکمیلی و اصولی متعلق به مسائل معاصر*، ترجمه محمد مقدس، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۹. تفضلی، فریدون (۱۳۷۵). *تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا ارسطو)*، تهران: نشر نی.
۱۰. چَپِرا، محمد عمر (۱۳۸۶). *اسلام و چالش اقتصادی*، ترجمه سیدحسین میرمعزّی، علی اصغر هادوی نیا، احمدعلی یوسفی و ناصر جهانیان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. حائری، سیدمحسن (۱۳۸۶). *اندیشه‌های اقتصادی در نهج البلاغه*، ترجمه عبدالعلی آل بویه لنگرودی، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۱۲. حریری، محمد یوسف (۱۳۸۸). *فرهنگ موضوعی تشریحی علوم اقتصادی*، دو جلدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۳. خدادادکاشی، فرهاد و خلیل حیدری (۱۳۸۸). «اندازه‌گیری شاخص‌های فقر براساس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی»، *پژوهشنامه اقتصادی*، سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، صص ۲۰۵-۲۳۱.

۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، دمشق: الدار الشامیه، بیروت: دارالعلم.
۱۵. رجائی رامشه، سید محمد کاظم (۱۳۹۴). «درآمدی بر شکل‌گیری قیمت و تعیین مقدار تولید در بازار اسلامی»، معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۴۵-۶۶.
۱۶. رضایی، اسعداله (۱۳۹۸). «گزارش تحلیلی پیش‌بینی نرخ تورم سالانه و نقطه‌ای تا پایان سال ۱۳۹۸ و سه‌ماهه اول ۱۳۹۹»، پژوهشکده آمار، صص ۳-۷.
۱۷. رنانی، محسن (۱۳۸۹). «بازار یا نابازار؟ کدام‌یک در زمین‌گیری اقتصاد ایران مقصرند»، روزنامه شرق، سال پنجم، شماره ۱۰۷۶، ۱۰/۷/۱۳۸۹، صص ۱۲-۱۳.
۱۸. دادگر، یدالله و تیمور رحمانی (۱۳۹۴). مبانی و اصول علم اقتصاد، قم: بوستان کتاب.
۱۹. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۵). تراز حیات: ساختارشناسی عدالت در نهج البلاغه، تهران: دریا.
۲۰. سیدرضی، محمد بن حسین بن موسی، (۱۳۷۹). نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۱. شریف، مصطفی (۱۳۹۴). اقتصاد کلان، تهران: اطلاعات.
۲۲. شهیدی، زهرا و زهرا کاویانی (تابستان ۱۴۰۰). پایش فقر در سال ۱۳۹۹، تهران: معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
۲۳. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۶). حقوق تجارت بین‌الملل، تهران: سمت.
۲۴. صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۴). اسلام راهبر زندگی؛ مکتب اسلام؛ رسالت ما، ترجمه سید مهدی زندیه، قم: دارالصدر.
۲۵. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (۱۴۰۳ق). الخصال، قم: جامعه مدرسین.
۲۶. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین.
۲۷. صدیقی، محمد نجات‌الله (۱۳۸۴). آموزش علم اقتصاد از دیدگاه اسلامی، ترجمه محمد رضا شاهرودی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۲۸. طالقانی، سید محمود (۱۳۴۴). اسلام و مالکیت، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۹. عربی، سیدهادی و سیداسحاق علوی (۱۳۹۲). کلیات علم اقتصاد، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۰. کتاب مقدس (۱۳۸۰). ترجمه فاضل خان‌هندی، تهران: اساطیر.
۳۱. کرمی، محمدمهدی و پورمند، محمد (۱۳۹۱). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران: سمت؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لعلوم الأئمة الأطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۴. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). الأمالی، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
۳۶. نعمان، بن محمد تمیمی مغربی (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام، مصر: دارالمعارف.
۳۷. نصیری زاده، حمیدرضا و سعیدی نیا، سعیده (۱۳۹۳). «بازار اسلامی مولود نظام اقتصادی صدر اسلام»، مجله سیاست‌گذاری اقتصادی، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۴۹-۱۶۸.
۳۸. نظرپور، محمدتقی، (۱۳۸۰)، «امام علی (ع)، حکومت و بازار»، مجله کتاب نقد، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۸۰، صص ۲۲۳-۲۷۲.
۳۹. نوراحمدی، محمدجواد (۱۳۸۹). اقتصاد دینی از منظر اندیشمندان مسلمان و مسیحی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۴۱. هزلیت، هنری (۱۳۹۲). اقتصاد در یک درس، ترجمه محمدحسین وقار، تهران: اطلاعات.
۴۲. یوسفی، احمد علی (۱۳۸۷). نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.